

- کلاس اخلاق
- با حضور حجت الاسلام انجوی نژاد
- متوسطه اول و دوم
- جلسه ۸
- موضوع : عبادت و محبت
- اردیبهشت ۹۷

در جلسه قبل در مورد محبت به امام صحبت کردیم و گفتیم اولین نوع محبت به امام که به ذهن می رسد محبت انسانی است ، مثل همین محبتی که ما به هم داریم . امام را یک موجود فضایی و یا یک رهبرِ فرمانده نمی دانیم ، امام را موجودی می دانیم که می توان به او محبت انسانی هم داشت . همچنان که در خیلی از روایات هم داریم که اهل بیت و پیامبر اکرم صلوات الله علیه هم این مدل محبت را تأیید کردند و سفارش هم کردند . اگر شما محبت انسانی نداشته باشید به امام بعدا یک جایی دچار مشکل خواهید شد .

محبت انسانی مثل همین محبتی است که شما به پدر و مادرت یا فرزندت یا دوستت داری .

اگر قراره ما امام را دوست داشته باشیم ، باید یک دوستی انسانی دوطرفه باشه ، دل ما برای دیدن امام ، قیافه ی امام ، صدای امام تنگ بشه . این [نوع محبت] باید باشه ، همانطور که در زمان حیات ائمه معصومین و پیامبر و امامان کاریزما داشتند .

کاریزما یعنی شخصیت جذابی که محبت را بر می انگیزد . و امام غیر از اینکه امام هست ، مرجع هست ، باید کاریزما داشته باشد .

لذا در مورد صفات ائمه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم و خداوند هم در سوره تین می فرماید «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»: انسان را به بهترین شکل خلق کردیم.

چیزی که خدا از جمال در امام قرار داده برای این است که مردم جذب شوند . کاریزما یک قسمتش جمال هست و امام جمال را دارد .

در روایات داریم اگر کسی می خواهد قرآن بخواند اما صدای خوبی ندارد ، آهسته برای خودش بخوانه یا اگر مکبر یا مؤذن صدایشون خوب نیست مکروهه اذان بگه یا قرآن با صدای بلند بخواند ، اینجا تَنْ صدای جزء جماله ، جزء کاریزماست .

خب خدا جمال را در اهل بیت قرار داده یعنی چی ؟
یعنی می خواد محبت انسانی بر انگیزه شود .

محبت انسانی یعنی دلت برای امام تنگ بشه . اگر داره صحبت می کنه ، کلامش قوی باشه خسته نشی ، هنر کلام دارند ، مثل آقا امیرالمؤمنین علیه السلام (که خطبه هاشون در کمال فصاحت و بلاغت بود) ، حالا اگر متن سخنان ایشان را به یک عرب زبان بدهند ، دقیقاً متوجه می شود که این کلام متفاوتی ، لحن کلامشون فرق می کرد .

خب این بخش اول کاریزما بود.

قسمت دوم کاریزما برمی گردد به کاریزمای معنوی ، یعنی هنرهای روحی که اهل بیت دارند . به نظر ما چون اهل بیت در احسن تقویم خلق شدند ، بالاترین روان شناس هستند ، بالاترین جامعه شناس هستند ، بالاترین قدرت مدیریت را دارند ، بالاترین هنر شناس اند مثلا در زمان خودشون که هنر عرب در شعر و ادبیات بوده ، اینها بهترین شعرها و خطابه ها را داشتند و از طرفی چون الله جمیل و یحب الجمال و ائمه هم مصداق جمال خدا هستند ، اگر چیز زیبایی هم می دیدند هم خوشحال می شدند و هم تشویق می کردند .

در مورد امام زمان عج الله تعالی فرجه هم همینه ، چون ایشان قراره جانشین خدا شوند ، خداوند همه چیز را برای ایشان در اوج قرار داده .

قسمت اول کاریزما مربوط به جمال بود ، قسمت دوم مربوط به جلال است . جلال یعنی عظمت و بزرگی و قدرت معنوی که در امام وجود دارد و مردم تشویق به اطاعت می شوند .

مثلاً در روایت است ، زمانی که امام زمان می آیند با اولین سخنرانی دو سوم اهالی جهان ایمان می آورند ، خب باید یک چیزی باشه در سخنرانی ایشان ، همیشه که منطق تنها باشه ، باید یک کاریزمای معنوی داشته باشه که دو سوم اهالی جهان در اولین سخنرانی ایمان بیاورند و بعد می روند در بحثهای دیگر و مبارزه با دشمنان و جذب نیرو و کم کم کار به جایی می رسد که کل جهان را می گیرند .

اینکه دو سوم جمعیت جهان با یک سخنرانی ایمان می آورند ، مربوط به چیه ؟ مربوط به قدرتی است که در بیان ایشان است ، در کاریزمای ایشان هست و در مطالبی که می گویند. چون می دانند باید چه چیزهایی بگویند .

الآن یکی از مشکلات ما اینه که ممکنه یک نفر آدم خوبی باشه ، اما هنر خوبی کردن را بلد نباشه . مثلاً شما الان خسته و کوفته رفتید خونه ، از مادر مهربان تر که نداریم ، از مادر خیر خواه تر که نداریم ، شما رفتی خونه ، خسته ای ، گرما هم کلافه شدی ، هزار تا مشکل هم برات پیش آمده ، مادرت یک ایراد ازت می گیره ، برای چی ؟ برای اینکه اصلاح بشی . اصلاح برای چی ؟ برای اینکه خیرخواهت هست . چرا خیر خواه هست ؟ چون دوستت داره .

اما امام اینطور نیست ، چون روان شناس خوبی است ، نی داند که الان وقتی طرف خسته و کلافه است موقع ایراد گرفتن به این آدم نیست ، امامان روششون اینه که ابتدا فرد را می بینند ، بعد بررسی می کنند و برخورد مناسب را بعداً (در زمان مناسب) انجام می دهند .

مثل برخورد امام حسن مجتبی علیه السلام با آن مرد شامی که به ایشان بی احترامی کرد و دشنام داد اما امام باهش محبت آمیز برخورد کردند ، گفتند خسته ای ، تازه از راه رسیدی ، او را به خانه بردند و پذیرایی کردند . این مرد شامی قابلیت هدایت داشت و هدایت میشه .

مثلاً در مورد شمر قابلیت هدایت نداشت ، امام حسین علیه السلام این را می دانستند ، چرا نصیحتش کردند ؟ چون می خواستند روز قیامت دیگر برای او حجتی نباشد که بگه چرا مرا نصیحت نکردند و ...

امام حجت را تمام می کند ، می داند قابل هدایت نیستند اما نصیحت کردند ، برخی چیزها هم برای اینه که در تاریخ بماند ، وقتی امام صحبت کردند برای لشکر ابن سعد ، با این همه کاریزما امام حسین علیه السلام شروع کردند به صحبت اما آنها هلهله و مسخره کردند ، چرا ؟ امام فرمودند : دلیل اینکه سخن مرا نمی فهمید اینه که بطون شما پر شده از مال حرام .

یکی از مشکلاتی که الان در جامعه داریم ، اینه که برخی مال حرام می خورند ، الان بخواهی بری براشون اثرش را توضیح بدی همیشه ، اما مال حرام که میاد در بدن ، در وجود فرد تأثیر می گذاره ، اجازه نمی ده انسان حکمت و نصیحت بپذیرد .

سومین نکته در کاریزمای امام اینه که امام مثل انسانها برخورد نمی کند ، مثل خدا برخورد می کند . مثلاً فرض کنید راجع به ابن ملجم ، او از طرفداران افراطی امام علی علیه السلام بود ، وقتی آمدند طایفه ای از یمن برای بیعت با امام او صحبت‌های کرد غلو آمیز ، شخصیت امام را آنقدر بالا برد نزدیک خدا ، بعد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند راجع به افراط تو می ترسم و اینجا بود که جمله معروف را گفتند « لا تَرَى الْجَاهِلِ أَوْ مُفْرِطاً أَوْ مُفَرَّطاً »: آدم نادان را نمی بینی مگر در حال افراط یا تفریط !

برخی از ما هم ۰ و ۱۰۰ هستیم ، صفر افراط هست ، صد هم تفریط . آدم نادان یا افراط می کنه یا تفریط . از این مدل آدمها امروزه زیاد می بینیم .

در محبت هم همینه ، حضرت علی علیه السلام وقتی محبت ابن ملجم را دیدند گفتند تو قطعاً تفریط می کنی ! گفت نه آقا من تا آخرش هستم .

امام فرمودند نه تنها تفریط می کنی ، تو آخرش مرا می کشی !!

خب حالا قانون چی میگه ؟

در هر مملکتی اگر یک نفر باشه که مطمئن هستید ، دو روز دیگه می خواد جنایت کنه ، صد در صد هم مطمئن هستید ، باید دستگیر بشه . ولی قانون امیرالمؤمنین علیه السلام فرق داره ، گفتند تا نکشی من کاری باهات ندارم . این حکم الهی است .

حتی سحر ۱۹ رمضان هم که رفتند مسجد برای نماز ، ابن ملجم خواب بود ، بیدارش کردند ، می دانستند می خواد چی کار کنه ، شمشیرش هم مشخص بود .

بعد امام می فرمایند ، شما به این رفتار ما توجه نکنید ، ما اهل بیت این طوری هستیم ، مثل خدا برخورد می کنیم ، یعنی اگر شما تصمیم بگیری بعد از ظهر یک معصیت بزرگی را در مورد خدا مرتکب بشی ، خدا نه جلوی تو را می گیرد و نه برایت گناه می نویسد ، هر وقت که گناه را مرتکب شدی برایت می نویسند ، این قانون الهی است ،

اهل بیت [هم] سیستمشون اینه ، وقتی میان سراغ انسانها برخوردشون الهی است و امام مجری دستورات خداست .

نکته بعدی : در یکی از جنگها ، امام علی علیه السلام و مالک اشتر از دوطرف زدند به لشکر دشمن ، اینها خط شکن بودند . جلو می رفتند ، به هم نگاه هم می کردند و مراقب بودند که دشمن دوره شون نکند ، مالک هر که را می آمد جلو می کشت ، یک لحظه در دلش گذشت که انگار من جنگاور بهتری هستم از امیرالمؤمنین ! همان وسط میدان آقا صداش کردند ، چیه؟ چی می گذره در دلت ؟ فرمودند من می شمارم ، حساب می کنم ، شمشیر می زنم ، تو چشمهاتو بستی و شمشیر می زنی ، من نگاه می کنم اگر در نسل این فرد یک نفر آدم به درد بخور ، یک

فرد صالح باشه نمی کشمش . این قدرت خداست ، ما به حکم حضرت داوود نسبت به مردم قضاوت می کنیم .

حکم حضرت داوود علیه السلام خیلی حکم پیچیده ای است ، یکی از مشکلات ما هم بعد از ظهور امام زمان عج الله تعالی فرجه اینه که آیا راضی به اجرای حکم داوود از طرف آن حضرت هستیم؟! برای همین هست که ظهور ایشان به تعویق می افتد

می دونید حکم داوود (ع) چیه ؟

الآن در دادگاه احکام قضایی بر پایه ی اطلاعاتی که جمع آوری می شود ، صادر میشه . اما امام بر اساس دانسته هایش عمل می کند .

یک مثال از حکم حضرت داوود علیه السلام : یک نفر گاوش از خونه فرار می کنه ، در یک خانه ی دیگر هم چند نفر داشتند از گرسنگی می مردند ، دست به دعا داشتند که خدا یک کاری براشون بکنه . گاو رفت توی خونه ی اینها . اینها هم گاو را می کشند ، در حال خوردن بودند که صاحب گاو می رسه . می بیند که گاو را کشتند و خوردند و دعواشون میشه ، می روند خدمت حضرت داوود . خب ایشان حالا باید چه حکمی بکند ؟

حکم حضرت داوود علیه السلام این بود : این گاو را که خوردند ، نوش جونشون ، خونه و زندگیت را هم بده بهشون ، خودت و زن و بچه ات هم بروید توی اون خونه و غلام و کنیز اینها شوید . اِه چرا ؟ این چه حکمی است ؟

فرمود : پدر پدر بزرگ شما غلام اینها بوده ، پدر پدر بزرگتون یک شب یواشکی پدر بزرگ اینها را کشت و کل اموالش را به نام خودش کرد ، پس کل اموال شما هم مال اینهاست ، خودت هم غلام اینها هستی .

این حکم داوود است ، پس فردا که امام زمان هم بیاد ، این طوری حکم می کند.

خیلی از شماها نمی دونید پدر پدر بزرگتون چه کارهایی کرده ؟ ما نمی دونیم اما امام زمان که می داند ، یک دفعه می بینیم کل سندهای شیراز همه جا به جا شد .

در تاریخ هست از خدمات زمان رضاشاه که ۴۰ روستا با همه چیز را به مالکیت خودش در آورد و بین فرزندان خودش تقسیم کرد ، اینها شدند خان های آن زمان ، مثلاً آن موقع جمعیت این ۴۰ تا روستا ۲۰۰ هزار نفر بود، آنها زاد و ولد کردند این خانها هم همین طور ، حالا جمعیتشون بیشتر شده ، حالا مثلاً فرض کنید یکی از نوادگان رضا شاه الآن تو شیراز یک پاساژ داره ، از نوادگان مردم آن روستا یکی هم هست شده دربان پاساژ این . خب حالا امام زمان که بیاد میگه جاتون را عوض کنید . حاضره این کارو بکنه؟؟

توقعی که امام زمان عج الله تعالی فرجه از ما داره اینه که ما آنقدر منتظر باشیم که حاضر باشیم ، تهش اینه دیگه.

مثلاً یک نفر ۲۰ ساله دکتره ، مطب داره و فلان ، امام زمان که بیاد بهش میگه شما مدرکت قلبیه نمی تونی پزشک باشی ، یا مثلاً یک نفر استاد اخلاقه ، اما گفتن از اخلاق وقتی اثر داره که خودت هم عمل کنی ، امام زمان که بیاد به این فرد میگن شما برو دیگه نمی خواد اخلاق بگی . کلی از مردم از کار بیکار می شوند و کلی از افراد مظلوم بهشون دادرسی میشه . علم امام یک مشکل هست برای حکومت . چون در زمان ظهور دیگه همیشه ظاهرسازی کرد ، همیشه طرف بگه من آدم خوبی هستم بگذارنش مسؤول فلان قسمت بعد خراب بشه .

حالا بعضی میگن چرا در زمان حضرت علی علیه السلام این طور نشد ، خب حکومت ایشان شکست خورد ، چون این کارها نشد ، چون مردم تاب تحمل این مدل حکومت را نداشتند ، وقتی مقبولیت مردمی نباشد ، حکومت موفق نمی شود .

وقتی می‌رسیم به نقطه‌ی ظهور باید مقبولیت مردمی باشد که آقا بیاد و همین طوری حکومت کند.!

گفتیم که در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه طبق حکم حضرت داوود رفتار می‌کنند و باید حکومت ایشان مقبولیت مردمی داشته باشد، خب چه کسانی با این مدل حکومت مخالفند؟ مسلماً کسانی که با ظلم و بی‌عدالتی و فریب و نفاق و ریا‌زندگی کردند، مخالفند، خب چند درصد مردم ظلم نکردند، بی‌عدالتی نکردند، فریب ندادند؟ ریا نکردند؟ الآن وضع خوب نیست دیگه!

یک سؤال خیلی مهم: واقعاً در موقع ظهور باید چی کار کرد؟ وقتی ایشان بیاد کاریزمای امام زمان آنقدر قوی است که افرادی که الآن راضی نیستند به این وضعیت، امام را که ببینند، راضی می‌شوند. می‌گن ارزش اینکه این آقا بر جهان حکومت کند، بیشتر از این است که حالا من پیام یک پاساژ یا یک زمینی را بدم یا ندم!

یعنی کاریزمای امام زمان طوری هست که مردم از نظر قلبی هم قانع می‌شوند، بنابراین ما باید نسبت به امام زمان به آن درجه از محبت برسیم که اگر نسبت به امام یک مشکلی هم برامون ایجاد شد، محبت امام غلبه کند. مثل همان فردی که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام دزدی کرد و دست

فردی که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام دزدی کرد و دست او را قطع کردند.

همانطور که دستش بسته بود و می رفت یکی از منافقین آن زمان بهش رسید و گفت : چطوری ؟ کی دستت را قطع کرد؟ اما آن مرد شروع کرد به تعریف از امیرالمؤمنین علیه السلام .

وقتی امام زمان بیاد دو گروه به ایشان به شدت رغبت دارند :

۱. نوجوانان و جوانان

۲. بزرگسالانی که مدت‌ها برای امام زندگی کردند .

خب یک سؤال : با کاریزمای امام ما جذب می شیم چی کار کنیم ؟ محبت ما تو دلشون بیفته ؟ نه . محبت ما در دلشون هست . ذاتاً اهل بیت چون جلوه ی محبت خدا هستند ، محبت ما هم در دلشون هست ، اینکه بیرون نیاریم از دلشون به زور خیلی مهمتره .